



A Data-Driven Model for Predicting Police Performance Using Islamic Revolution–Aligned Policing Indicators

Arash Hedayati^{1✉} | Ashab Habibzadeh Maleki² | Moharmali Aghazadeh³

1.*Corresponding author, M.Sc. in Artificial Intelligence Engineering. Email: waro.info@gmail.com

2Department of Educational Management, Farhangian University, Tehran, Iran; Email: a.habibzadeh@cfu.ac.ir

3. M.A. in Police Command and Management. Email: m.aghazadeh.a@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received
2025/10/25

Received in revised form
2026/02/26

Accepted
2026/05/29

Published online
2026/09/21

Keywords:
*Police performance;
Institutional assessment;
Islamic Revolution
indicators; Predictive
modeling; Evidence-based
polymaking.*

ABSTRACT

Objective: This study develops a data-driven predictive model to assess police performance using normative indicators aligned with the ideals of the Islamic Revolution. Guided by the strategic directives of the Supreme Leadership, the framework operationalizes qualitative institutional values—such as God-centeredness, people-centeredness, justice orientation, and compassionate authority—into measurable performance criteria.

Methodology: Utilizing structured simulated data for 300 organizational cases, the study employed Python-based data mining techniques. Four predictive algorithms (Linear Regression, Support Vector Machine [SVM], Random Forest, and Decision Tree) were evaluated using standard error and variance metrics (MSE, RMSE, MAE, R^2) to identify the most accurate mapping of social indicators to performance outcomes.

Findings: Linear Regression demonstrated the highest predictive accuracy ($R^2=0.995$, $RMSE=0.003$), significantly outperforming SVM ($R^2=0.975$, $RMSE=0.007$), Random Forest ($R^2=0.867$, $RMSE=0.016$), and Decision Tree ($R^2=0.693$, $RMSE=0.024$). The findings confirm that Linear Regression offers a highly reliable parametric estimation of police performance based on the selected normative indices, providing a robust tool for evidence-based policymaking and institutional management.

Originality: This research bridges normative sociology and computational modeling by translating qualitative, value-based policing ideals into a quantitative predictive framework. Moving beyond traditional descriptive evaluations, it offers a generalizable, data-driven methodology for institutional assessment.

Cite this article: Arash, Hedayati; Habibzadeh Maleki, Ashab; and Aghazadeh, Mehrma'ali (2024).

Providing a model to predict the performance of the police force using the indicators of the Police of the Islamic Revolution. *Defense Human Capital Management Quarterly*, 6(22), 95-126



DOI: [10.22034/jdhcm.2025.2054822.1160](https://doi.org/10.22034/jdhcm.2025.2054822.1160)

Publisher: AJA Imam Ali Military University



ارائه مدلی برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی

با استفاده از شاخص‌های پلیس تراز انقلاب اسلامی

آرش هدایتی^۱، اصحاب حبیب زاده ملکی^۲، محرمعلی آقازاده^۳

۱- نویسنده مسئول، دانش آموخته مهندسی هوش مصنوعی، رایانامه: waro.info@gmail.com

۲- استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان تهران، رایانه: a.habibzadeh@cfu.ac.ir

۳- کارشناس ارشد، دانش آموخته فرماندهی و مدیریت انتظامی: m.aghazadeh.a@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

هدف: هدف این پژوهش، تدوین یک مدل پیش‌بینی‌کننده داده‌محور برای ارزیابی عملکرد پلیس بر مبنای شاخص‌های هنجاری تراز انقلاب اسلامی است. این چارچوب با عملیاتی‌سازی منویات مقام معظم رهبری، ارزش‌های نهادی و کیفی نظیر خدامحوری، مردم‌مداری، عدالت‌محوری و اقتدار توأم با رأفت را به معیارهای سنجش‌پذیر تبدیل می‌کند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۶/۳۰

روش‌شناسی: با استفاده از داده‌های شبیه‌سازی‌شده برای ۳۰۰ نمونه سازمانی و بهره‌گیری از تکنیک‌های داده‌کاوی در پایتون، چهار الگوریتم پیش‌بینی (رگرسیون خطی، ماشین بردار پشتیبان، جنگل تصادفی و درخت تصمیم) مورد آزمون قرار گرفتند. دقت مدل‌ها جهت یافتن بهترین تقریب میان شاخص‌های اجتماعی و خروجی عملکرد، با استفاده از معیارهای استاندارد ارزیابی خطا (R^2 , RMSE, MAE, MSE) سنجیده شد.

کلید واژه‌ها:

ارزیابی عملکرد

پلیس، ارزیابی نهادی،

شاخص‌های انقلاب

اسلامی، مدل‌سازی

پیش‌بینانه،

سیاست‌گذاری مبتنی

بر شواهد

یافته‌ها: نتایج نشان داد الگوریتم رگرسیون خطی با بالاترین دقت ($R^2=0.995$) و $RMSE=0.003$ نسبت به ماشین بردار پشتیبان ($R^2=0.975$)، جنگل تصادفی ($R^2=0.867$) و درخت تصمیم ($R^2=0.693$) برتری دارد. این یافته‌ها تأیید می‌کند که رگرسیون خطی تقریبی بسیار قابل‌اتکا و پارامتریک از عملکرد نهادی پلیس ارائه داده و می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در سیاست‌گذاری و مدیریت مبتنی بر شواهد به کار رود. **نوآوری:** نوآوری این مطالعه در پیوند میان جامعه‌شناسی نهادی و مدل‌سازی محاسباتی است؛ به‌نحوی که ارزیابی‌های کیفی و ارزش‌محور پلیس را به یک چارچوب کمی و تعمیم‌پذیر تبدیل کرده و گامی نوآورانه فراتر از رویکردهای توصیفی سنتی در ارزیابی عملکرد برمی‌دارد.

استناد: آرش، هدایتی؛ حبیب زاده ملکی، اصحاب؛ و آقازاده، محرمعلی (۱۴۰۳). ارائه مدلی برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی

با استفاده از شاخص‌های پلیس تراز انقلاب اسلامی. فصل‌نامه مدیریت سرمایه انسانی دفاعی، ۶ (۲۲)، ۹۵-۱۲۶

DOI: [10.22034/jdHCM.2025.2054822.1160](https://doi.org/10.22034/jdHCM.2025.2054822.1160)



ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)

به عنوان یکی از ارکان اصلی انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت سنگینی در تحقق اهداف بنیادین نظام دارد. این نهاد نه تنها باید وظایف اجرایی خود را به طور کارآمد انجام دهد، بلکه باید در تمامی فعالیت‌هایش با اصول و ارزش‌های اسلامی هم‌راستا باشد. این اصول شامل اخلاق‌مداری، مردم‌مداری، خدامحوری و عدالت‌محوری است که می‌توانند به عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد این نهاد مطرح شوند (کاظمی، ۲۰۲۱).

با وجود نقش محوری نیروی انتظامی در امنیت و نظم عمومی، سنجش عملکرد این نهاد بر مدار اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی با اتکاء به سنجه‌های سنتی (نظیر آمار وقوع و کشف جرم، زمان پاسخ و ارزیابی‌های کلی خبرگان) کفایت لازم را ندارد؛ زیرا این سنجه‌ها ابعاد هنجاری، فرهنگی و معنوی را به خوبی کمی‌سازی نمی‌کنند. علاوه بر این، تغییرات سریع در الگوهای جرم و انتظارات مردم از این نهاد، ضرورت استفاده از رویکردهای نوین علمی و فناورانه را بیش از پیش آشکار می‌کند. اینجا است که شکافی مشهود بین روش‌های سنتی ارزیابی عملکرد و نیاز به ابزارهای دقیق‌تر برای پیش‌بینی و تحلیل عملکرد نیروی انتظامی وجود دارد.

در این میان ارزیابی و پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی نه تنها به بهبود کارایی داخلی این نهاد کمک می‌کند، بلکه تأثیر مستقیمی بر افزایش اعتماد عمومی و تعامل مثبت بین نیروی انتظامی و جامعه خواهد داشت. در سال‌های اخیر، این موضوع به عنوان یکی از محورهای مهم پژوهش‌های علمی مطرح شده است؛ با این حال، هنوز نیاز به رویکردهای دقیق‌تر و ابزارهای نوین برای تحلیل و پیش‌بینی عملکرد این نهاد در چارچوب اصول انقلاب اسلامی احساس می‌شود (مرادی و همکاران، ۲۰۲۲). از آنجایی که ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی به‌ویژه نیروی انتظامی به‌طور معمول از طریق شاخص‌های کمی و کیفی انجام می‌شود، به کارگیری روش‌های نوین داده‌کاوی می‌تواند به عنوان ابزار مؤثری در پیش‌بینی و تحلیل عملکرد این نهاد در راستای تراز انقلاب اسلامی به کار رود (خانی و همکاران، ۲۰۲۰).

داده‌کاوی با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته، قادر است الگوهای پنهان و روابط میان داده‌ها را استخراج کرده و به ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت موجود کمک کند. در این زمینه، شاخص‌هایی نظیر بصیرت دینی، مردم‌مداری، اخلاق‌مداری و اقتدار در کنار مؤلفه‌های عملیاتی نیروی انتظامی می‌توانند به عنوان پایه‌های ارزیابی عملکرد این نهاد محسوب شوند (حسینی و علیزاده، ۲۰۲۱).

یکی از چالش‌های اصلی در این تحقیق، شناسایی و استخراج دقیق شاخص‌های مناسب برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی است. هرچند این فرآیند ممکن است به عنوان یک

چالش پیچیده مطرح شود، اما باید توجه داشت که این شاخص‌ها قابل استخراج از منابع معتبر مانند منویات، فرامین و محتوای سخنرانی‌های مقام معظم رهبری هستند (موسوی و معصومی، ۲۰۲۳). این منابع، به‌عنوان اصول بنیادین انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی قوی برای استخراج شاخص‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی فراهم می‌کنند. در این پژوهش، تمرکز اصلی بر استفاده از این منابع به‌عنوان پایه‌ای برای استخراج شاخص‌های مرتبط با عملکرد نیروی انتظامی قرار گرفته است. از آنجا که این منابع ذاتاً شامل ابعاد دینی، اجتماعی و فرهنگی هستند، تحلیل داده‌ها و طراحی مدل‌های داده‌کاوی باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند این ابعاد را به‌طور هم‌زمان در نظر بگیرد و انعطاف‌پذیری لازم برای انطباق با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز فراهم کند.

پژوهشگران در سال‌های اخیر با تکیه بر داده‌های متنوع الگوهای متعدد و جدیدی برای ارزیابی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای دولتی پیشنهاد کرده‌اند و در این میان به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند. تکیه بر مدل‌های یادگیری ماشین و داده‌کاوی از جمله این الگوها می‌باشد (شهرابی و قاسمی، ۲۰۲۱). در سازمانی گسره‌ای مانند نیروی انتظامی، داده‌کاوی می‌تواند به شناسایی رفتارها و روندهای مختلف در عملکرد این نهاد کمک کرده و آن را در راستای اصول انقلاب اسلامی هدایت کند. بنابراین، استفاده از الگوریتم‌های داده‌کاوی در پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود عملکرد و ارتقای کارایی این نهاد در برابر چالش‌های امنیتی و اجتماعی شود.

مدل پیشنهادی در این تحقیق، با استفاده از تکنیک‌های داده‌کاوی، تلاش دارد تا شاخص‌های مرتبط با عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی را شبیه‌سازی کرده و به‌طور دقیق‌تری پیش‌بینی کند. این مدل می‌تواند به مسئولان نیروی انتظامی کمک کند تا بر اساس ارزیابی دقیق‌تر، تصمیمات مؤثرتری برای بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت خدمات خود اتخاذ کنند (خلیلی و رحیمی، ۲۰۲۳).

در این پژوهش، هدف اصلی ارائه مدلی برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده از منویات، فرامین و محتوای سخنرانی‌های مقام معظم رهبری است. اگرچه در این مقاله داده‌ها به‌صورت شبیه‌سازی شده تحلیل شده‌اند و جامعه آماری به‌صورت مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است، اما مدل ارائه‌شده قابلیت گسترش به کل سازمان نیروی انتظامی را دارد. چراکه شاخص‌های ورودی مدل از منبع هنجاری بالادست و سراسری (بیانات رسمی) استخراج شده و ناظر به کل نیروی انتظامی‌اند، نه یک یگان یا منطقه خاص؛ بنابراین مبنای مفهومی مدل ذاتاً سازمان‌گستر است. دوم، ابزار سنجش این شاخص‌ها به‌صورت پرسشنامه استاندارد لیکرت با تعاریف عملیاتی روشن طراحی شده که قابلیت استقرار یکنواخت در همه رده‌ها، استان‌ها و یگان‌ها را دارد و می‌توان «همسانی

اندازه‌گیری» آن را در فاز میدانی آزمون و تثبیت کرد و سوم، معماری مدل یک نگاشت عمومی از هفت شاخص به عملکرد است و به داده یا ساختار محلی خاصی مقید نیست؛ یعنی با ورود داده‌های واقعی هر زیرسازمان، وزن‌ها به‌سادگی بازبرآورد می‌شوند

در صورت تعمیم مدل به نیروی انتظامی، جامعه آماری فرماندهان، مدیران و کارکنان نیروی انتظامی خواهد بود که نقش محوری در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های این نهاد ایفا می‌کنند. اهمیت این جامعه آماری به‌وضوح مشخص است؛ فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی، مسئولیت هدایت و سیاست‌گذاری در این نهاد را بر عهده دارند. از طرفی، کارکنان نیروی انتظامی به‌عنوان مجریان سیاست‌ها و خدمات ارائه‌شده به جامعه، نقشی کلیدی در تعامل با مردم و حفظ امنیت عمومی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر نه‌تنها به توسعه دانش در حوزه ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بهبود عملکرد نیروی انتظامی در راستای اصول انقلاب اسلامی است. سهم علمی این مقاله در توسعه دانش به این شرح می‌باشد:

- با ارائه مدلی نوین برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی، سهمی قابل‌توجه در حوزه ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی دارد. این مدل با ترکیب شاخص‌های استخراج‌شده از منابع معتبر انقلاب اسلامی و فناوری‌های پیشرفته داده‌کاوی، رویکردی نوآورانه ارائه می‌دهد که می‌تواند در سایر نهادهای دولتی نیز به‌کار گرفته شود.
- نوآوری اصلی آن در استفاده از شاخص‌های استخراج‌شده از منابع معتبر انقلاب اسلامی (مانند منویات، فرامین و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری) به‌عنوان پایه‌ای برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی نهفته است. این رویکرد، ترکیبی از اصول دینی، اجتماعی و فرهنگی با فناوری‌های مدرن داده‌کاوی ایجاد می‌کند که تاکنون در پژوهش‌های مشابه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- داده‌کاوی و الگوریتم‌های یادگیری ماشین در قالب یک مدل پیش‌بینی مبتنی بر شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی به‌کار گرفته می‌شوند تا عملکرد نیروی انتظامی به‌صورت برون‌نمونه‌ای برآورد و با شاخص‌های MAE, RMSE, MSE و R^2 ارزیابی شود.

۲) اهمیت و ضرورت پژوهش

در دنیای امروز، نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حفظ امنیت و نظم عمومی، نقشی محوری در زندگی جامعه ایفا می‌کند. به‌ویژه در جوامع اسلامی مانند ایران، این نهاد علاوه بر وظایف اجرایی، مسئولیت همسویی با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را نیز بر عهده دارد. با توجه به این واقعیت، ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در چارچوب اصول تراز

انقلاب اسلامی و استفاده از فناوری‌های نوین برای این منظور، از ضرورت‌های پژوهش حاضر است. در ادامه، اهمیت و ضرورت این پژوهش به صورت موردی تشریح می‌شود:

- **ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در چارچوب اصول انقلاب اسلامی:** یکی از ضرورت‌های اصلی این پژوهش، ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس اصول تراز انقلاب اسلامی است. این اصول شامل ارزش‌هایی مانند خدامحوری، عدالت‌محوری، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری، اقتدار همراه با مهربانی و غیره می‌شود. ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در این چارچوب، به تشخیص میزان همسویی عملکرد این نهاد با اهداف بنیادین نظام جمهوری اسلامی کمک می‌کند. این موضوع نه تنها به بهبود عملکرد نیروی انتظامی منجر می‌شود، بلکه اعتماد عمومی و تعامل مثبت بین این نهاد و جامعه را نیز تقویت می‌کند.
- **پاسخ‌گویی به چالش‌های امنیتی و اجتماعی:** در شرایط فعلی، نیروی انتظامی با چالش‌های متعددی مانند تنوع جرم، تغییرات سریع در الگوهای رفتاری جامعه و افزایش انتظارات مردم از این نهاد مواجه است. این چالش‌ها ضرورت ایجاد سیستم‌های دقیق‌تر برای ارزیابی و پیش‌بینی عملکرد را بیش از پیش آشکار می‌کند. این پژوهش با استفاده از فناوری‌های نوین مانند داده‌کاوی، به ارائه راهکاری علمی برای مقابله با این چالش‌ها می‌پردازد.
- **استفاده از فناوری‌های نوین برای ارزیابی عملکرد:** یکی دیگر از دلایل انجام این پژوهش، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و داده‌کاوی برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی است. این فناوری‌ها قادرند حجم زیادی از داده‌ها را تحلیل کرده و الگوهای پنهان در عملکرد نیروی انتظامی را شناسایی کنند. این امر به مدیران این نهاد کمک می‌کند تا تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ کنند.
- **تقویت اعتماد عمومی و تعامل مثبت با جامعه:** ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس اصول تراز انقلاب اسلامی، نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی به این نهاد دارد. اعتماد عمومی به نیروی انتظامی نه تنها به افزایش همکاری مردم با این نهاد منجر می‌شود، بلکه به بهبود امنیت اجتماعی و تقویت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی نیز کمک می‌کند. این پژوهش با ارائه مدلی دقیق برای ارزیابی عملکرد، به تحقق این هدف کمک می‌کند.
- **هماهنگی با اهداف توسعه‌ای کشور:** این پژوهش با تأکید بر ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در چارچوب اصول تراز انقلاب اسلامی، به اهداف کلان توسعه‌ای کشور نیز کمک می‌کند. به عنوان مثال، بهبود عملکرد نیروی انتظامی می‌تواند

به کاهش جرایم، افزایش امنیت اجتماعی و تحقق عدالت در جامعه منجر شود. این موضوع با اهداف توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران کاملاً هماهنگ است.

۳) سوال های پژوهش

- چگونه می‌توان یک مدل داده‌محور برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی مبتنی بر شاخص‌های «پلیس در تراز انقلاب اسلامی» ارائه و به‌صورت برون‌نمونه‌ای اعتبارسنجی کرد؟
- شاخص‌ها چگونه بر مبنای بیانات رسمی مقام معظم رهبری احصا و به‌گویه‌های سنجش‌پذیر عملیاتی می‌شوند؟
- دقت و اعتبار پیش‌بین مدل در ارزیابی برون‌نمونه‌ای، بر اساس شاخص‌های خطا و ضریب تعیین در چه سطحی قرار دارد؟
- در مقایسه میان الگوریتم‌های به‌کاررفته (درخت تصمیم، جنگل تصادفی، ماشین بردار پشتیبان و رگرسیون خطی)، کدام الگوریتم بهترین کارایی پیش‌بین را نشان می‌دهد؟

۴) ادبیات و پیشینه پژوهش

۴-۱) شاخص‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری

پلیس به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تأمین امنیت و نظم اجتماعی در جامعه اسلامی، باید بر مبنای شاخص‌هایی فعالیت کند که با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی هماهنگ باشد. این شاخص‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تعیین شده‌اند و در راستای تحقق اهداف والای جامعه اسلامی در حوزه نظم، امنیت و عدالت اجتماعی قرار دارند. این شاخص‌ها نه‌تنها به‌عنوان راهنمایی برای هدایت عملکرد نیروی انتظامی عمل می‌کنند، بلکه اساس‌گذار تکامل و اصلاحات درونی این نهاد در جهت خدمت به مردم و جامعه هستند. فرآیند استخراج این شاخص‌ها بر اساس تفسیرهای رهبری از قرآن کریم، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و تجربیات تاریخی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. این شاخص‌ها همچنین به‌طور خاص بر ارکان اخلاقی، دینی، قانونی و اجتماعی که باید در عملکرد پلیس اسلامی رعایت شود، تأکید دارند. برای تحلیل دقیق‌تر و مستندتر این شاخص‌ها، از منابع متعدد علمی، متون دینی، اسناد راهبردی و بیانات مقام معظم رهبری بهره‌گیری شده است. در این زمینه، تأکید بر ویژگی‌های معنوی، دینی، اخلاقی و سازمانی پلیس به‌عنوان الگوی ایدئال برای اجرای عدالت و حفظ امنیت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در ادامه، به شرح هر کدام از این شاخص‌ها می‌پردازیم:

خدامحوری و معنویت‌گرایی: فعالیت پلیس در تراز انقلاب اسلامی باید بر مبنای نیت الهی و خدمت به مردم باشد. معنویت‌گرایی به این معناست که پلیس تمام اقدامات خود را برای رضای خداوند انجام دهد و این نگرش در تمام رفتارها و تصمیم‌گیری‌های او نمود داشته باشد. این رویکرد، فعالیت‌های پلیس را از یک وظیفه صرفاً قانونی فراتر می‌برد و آن را به خدمتی معنوی تبدیل می‌کند که هم امنیت جامعه را تأمین می‌کند و هم رضای الهی را به دنبال دارد. در این زمینه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رویکرد معنوی و دینی پلیس موجب ارتقای کارایی و رضایت عمومی می‌شود و در بسیاری از جوامع اسلامی به‌ویژه ایران تأکید زیادی بر این اصول می‌شود (شهباز و صالحی، ۲۰۲۲). مقام معظم رهبری در این راستا تأکید فرموده‌اند: «این کشور، به برکت روآوردن به معنویت، در دنیا عزیز شد. این ملت، به برکت تمسک به معنویت و اسلام، در سطح عالم اقتدار پیدا کرد» (رهبری، ۱۳۷۴). این سخنان حکایت از اهمیت بنیادین معنویت در تمامی ابعاد جامعه، از جمله نهادهای اجرایی مانند پلیس دارد. این رویکرد نه تنها به تقویت اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی کمک می‌کند، بلکه به استحکام نظام اسلامی و اعتلای مقام آن در سطح جهانی نیز منجر می‌شود.

بصیرت دینی و سیاسی: پلیس در جامعه اسلامی نیازمند شناخت دقیق از مسائل دینی و سیاسی است تا بتواند در شرایط مختلف به‌ویژه در بحران‌ها و فتنه‌ها، بهترین تصمیم را اتخاذ کند. بصیرت دینی به او این توانایی را می‌دهد که میان حق و باطل تمایز قائل شود و بصیرت سیاسی او را از انحرافات احتمالی مصون می‌دارد. چنین بینشی به پلیس کمک می‌کند تا علاوه بر تأمین امنیت، در جهت تقویت ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز گام بردارد. تحقیقات مختلف بر این نکته تأکید دارند که پلیس با بصیرت دینی و سیاسی قادر به واکنش سریع‌تر و مؤثرتر در برابر تهدیدات و بحران‌ها است (رحیمی و غفاری، ۲۰۲۱).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه تأکید فرموده‌اند: «اینها عرائض ماست. ان شاء الله همه‌ی این چیزهایی که گفتیم و یا نگفتیم و جزو آرزوهای ماست، در برنامه‌های شما، در کارهای شما تحقق و تبلور پیدا کند و خودش را نشان دهد». این رویکرد نشان می‌دهد که تمامی اقدامات و برنامه‌های اجرایی باید در راستای اصول دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. ادامه سخنان مقام معظم رهبری حکایت از اهمیت بنیادین معنویت و بصیرت دینی دارد: «خوب، همه‌ی اینها یک روح هم دارد که آن روح عبارت از معنویت و بصیرت دینی و تعمیق اعتقادات دینی و باورهای دینی است.» (رهبری، ۱۳۸۹). این تأکیدها نشان می‌دهد که نقش پلیس در جامعه اسلامی تنها به اجرای قوانین محدود نمی‌شود، بلکه باید در راستای تقویت ارزش‌های دینی و ایجاد امنیت معنوی و اجتماعی نیز حرکت کند. با توجه به این رویکرد،

پلیس می‌تواند به عنوان یک نهاد مؤثر و الهام‌بخش، نقش مهمی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حفظ ارزش‌های دینی ایفا کند.

اخلاق‌مداری در رفتار و عملکرد: رعایت اصول اخلاقی یکی از الزامات اساسی فعالیت پلیس در نظام اسلامی است. این اصول شامل صداقت، امانت‌داری، عدالت‌محوری و احترام به کرامت انسانی است. اخلاق‌مداری باعث می‌شود که پلیس به‌جای ایجاد ترس در جامعه، به‌عنوان یک حامی و دوست واقعی مردم شناخته شود. این ویژگی همچنین به افزایش اعتماد عمومی نسبت به نیروی انتظامی کمک شایانی می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اخلاق‌مداری در رفتار پلیس به‌طور مستقیم بر رضایت مردم و کارایی نهادهای امنیتی تأثیر دارد (زارعی و میرحمد^۱، ۲۰۲۳).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه تأکید فرموده‌اند: «در گزارش فرماندهی محترم، این بود که توجه به جهات معنوی و اخلاقی و جهات دینی و اعتقادی و مانند اینها مورد توجه و برنامه‌ریزی است؛ بسیار خوب است.» (رهبری، ۱۳۹۴) این سخنان حکایت از اهمیت بنیادین توجه به ابعاد معنوی، اخلاقی و دینی در فعالیت‌های پلیس دارد. این رویکرد نه تنها به تقویت اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی کمک می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی اخلاقی در جامعه عمل می‌کند و به ارتقای فرهنگ اجتماعی نیز منجر می‌شود. پلیسی که اخلاق‌مداری را در مرکز فعالیت‌های خود قرار می‌دهد، نه تنها به عنوان یک نیروی اجرایی، بلکه به عنوان یک مؤلفه‌ی تربیتی و الهام‌بخش در جامعه شناخته می‌شود. این رویکرد اخلاقی و معنوی به پلیس کمک می‌کند تا در کنار تأمین امنیت، نقش مهمی در تقویت ارزش‌های دینی و اجتماعی ایفا کند و به عنوان یک پل بین مردم و نظام اسلامی عمل نماید.

اقتدار همراه با مهربانی: اقتدار از الزامات و ظایف پلیس است؛ اما در نظام اسلامی این اقتدار نباید به‌صورت خشک و بی‌روح اعمال شود. مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید دارند که پلیس باید ضمن حفظ قاطعیت در برابر قانون‌شکنان، نسبت به مردم رأفت و مهربانی داشته باشد. این ترکیب اقتدار و مهربانی باعث ایجاد تصویری مثبت از پلیس در جامعه می‌شود و امنیت روانی مردم را نیز تقویت می‌کند. در پژوهش‌ها آمده است که برخورد ترکیبی از اقتدار و مهربانی می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد و از بروز تنش‌های اجتماعی جلوگیری کند (محمدی و عسگریان، ۲۰۲۲).

مقام معظم رهبری در این زمینه فرموده‌اند: «اقتدار شما هم به درد این ملت می‌خورد، رحمت شما و مهربانی شما هم به درد این ملت می‌خورد. این رحمت را خوشبختانه مردم دارند می‌بینند و در بخش‌های مختلف هم اقتدار نیروی نظامی مشهود است.» (رهبری،

¹ Zarei, A., & Mirmohammad, M

۱۳۹۸) این سخنان حکایت از اهمیت تعادل بین اقتدار و مهربانی در عملکرد پلیس دارد. اقتدار بدون مهربانی موجب فاصله‌گرفتن مردم از نهادهای امنیتی می‌شود و مهربانی بدون اقتدار نیز به ضعف در اجرای قوانین منجر خواهد شد. پلیسی که اقتدار خود را با مهربانی همراه کند، نه تنها به عنوان یک نیروی اجرایی، بلکه به عنوان یک حامی واقعی و دوست مردم شناخته می‌شود. این رویکرد ترکیبی نه تنها به تأمین امنیت جامعه کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد عمومی و تقویت روحیه اجتماعی نیز منجر می‌شود. این تلاش‌ها در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حفظ وحدت و امنیت ملی گامی مؤثر محسوب می‌شود.

مردم‌مداری و خدمت‌رسانی صادقانه: پلیس در تراز انقلاب اسلامی باید خود را خادم مردم بداند. خدمت‌رسانی صادقانه و با نیت خالص، نه تنها وظیفه‌ای قانونی بلکه مسئولیتی دینی و اخلاقی است. مردم‌داری به معنای توجه به نیازها و مشکلات شهروندان و تلاش برای حل آن‌هاست. این شاخص سبب می‌شود که پلیس از نگاه مردم به عنوان یک نهاد مردمی و همراه شناخته شود. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، دیده می‌شود که مردم‌مداری در عملکرد پلیس موجب افزایش اعتماد مردم به این نهاد و تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود (جعفری و صالحی، ۲۰۲۱).

مقام معظم رهبری نیز در این راستا فرموده‌اند: «از جمله کار شما، چون کار شما خدمت به جامعه است، خدمت به مردم است.» (رهبری، ۱۳۹۸) این سخنان حکایت از اهمیت بنیادین خدمت به مردم در نقش و وظایف پلیس دارد. پلیسی که خود را مکلف به خدمت به مردم می‌داند، نه تنها به عنوان یک نیروی اجرایی قانون، بلکه به عنوان یک نهاد مردمی واقعی در جامعه ظهور می‌کند. این رویکرد خدمت‌محور موجب می‌شود که پلیس بتواند با مردم ارتباط صمیمانه‌تری برقرار کند و در عین اجرای قوانین، به حل مشکلات و نیازهای آن‌ها کمک کند. این تلاش‌ها نه تنها به تأمین امنیت فیزیکی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد عمومی و تقویت روحیه همدلی و همبستگی در جامعه نیز منجر می‌شود. از این رو، خدمت‌رسانی صادقانه به عنوان یکی از اصول اساسی در نظام اسلامی، نقش محوری در ارتقای کیفیت زندگی مردم و تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایفا می‌کند.

تعالی و پیشرفت سازمانی: نیروی انتظامی باید دائماً در مسیر پیشرفت و ارتقای علمی و عملی حرکت کند. این امر مستلزم بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مدیریت کارآمد و آموزش‌های به‌روز است. تعالی سازمانی پلیس زمینه‌ساز اجرای بهتر وظایف و تقویت اعتماد عمومی خواهد بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیشرفت و ارتقاء مستمر در توانمندی‌های سازمانی موجب کارایی بیشتر و پاسخگویی بهتر به نیازهای جامعه می‌شود (محمد و غفاری، ۲۰۲۳).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه تأکید فرموده‌اند: «پیشرفتهای کاری علمی و آتکاء به ابتکارات علمی‌ای که روزبه‌روز در دنیا به‌وجود می‌آید، بسیار کار لازمی است که این، ارتقای سازمانی را ایجاد می‌کند.» (رهبری، ۱۳۹۴) این سخنان حکایت از اهمیت به‌کارگیری دانش و فناوری در سازمان‌های امنیتی دارد. پلیس با استفاده از ابزارهای نوین و رویکردهای علمی می‌تواند بهره‌وری و کیفیت خدمات خود را افزایش دهد و در عین حال به نیازهای پیچیده‌تر جوامع مدرن پاسخ دهد. این رویکرد به پلیس کمک می‌کند تا در کنار حفظ اصول اخلاقی و دینی، به یک نهاد پیشرو و پویا تبدیل شود که قابلیت انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به چالش‌های جدید را داشته باشد. ارتقای سازمانی نه تنها به بهبود عملکرد داخلی پلیس منجر می‌شود، بلکه به عنوان الگویی برای سایر نهادها در جامعه عمل می‌کند و به تحقق اهداف انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف کمک می‌کند. پایبندی به قانون و عدالت: پلیس در نظام اسلامی باید خود نماد قانون‌مداری باشد. پایبندی به قانون و عدالت در برخورد با متخلفان، ضامن ایجاد نظم و امنیت پایدار در جامعه است. این شاخص به پلیس کمک می‌کند که به‌عنوان الگوی احترام به قانون در جامعه شناخته شود و از هرگونه رفتار سلیقه‌ای یا تبعیض‌آمیز پرهیز کند. این اصول در بسیاری از مطالعات تأکید شده‌اند که پلیس باید در عین اقتدار، به اجرای دقیق و بدون تبعیض قوانین پرداخته و از رفتارهای غیرقانونی جلوگیری کند (زارعی و رحیمی^۱، ۲۰۲۲). مقام معظم رهبری نیز در این زمینه فرموده‌اند: «یک مسئله‌ی دیگری هم که خیلی به‌نظر من مهم است قانون‌گرایی است. این قانون‌گرایی دو عرصه دارد؛ یک عرصه در مواجهه‌ی با مردم؛ یعنی شما ببینید که کجا تخلف از قانون می‌شود، آنجا در مقابلش بایستید، یک عرصه‌ی دیگر در درون سازمان؛ به‌معنای اینکه عضو نیروی انتظامی در داخل سازمان نیرو به‌معنای واقعی کلمه قانون‌گرا باشد و رعایت قوانین را بکند؛ آنجا قانون‌گرایی بایستی بیش از همه‌جا در جریان باشد؛ و طبعاً سلامت نیرو؛ سلامت.» (رهبری، ۱۳۹۴). این سخنان حکایت از اهمیت دو وجهی قانون‌گرایی دارد: یکی در تعامل با جامعه و دیگری در ساختار داخلی نیروی انتظامی. پلیسی که در مواجهه با مردم به قوانین پایبند باشد، به ایجاد اعتماد عمومی و تقویت نظم اجتماعی کمک می‌کند. از سوی دیگر، پایبندی به قوانین درون سازمانی نیز به حفظ شفافیت، کارایی و سلامت سازمانی منجر می‌شود. این رویکرد دوطرفه نه تنها به بهبود عملکرد پلیس کمک می‌کند، بلکه به عنوان الگویی برای تمامی نهادهای اجرایی و مردم جامعه عمل می‌کند. رعایت قانون درون سازمانی نیز به معنای حفظ سلامت اخلاقی، مدیریتی و اجرایی نیروهای پلیس است. این امر باعث می‌شود که نیروی انتظامی

¹ Zarei, A., & Rahimi

بتواند با قدرت و مشروعیت بیشتری در جامعه حضور داشته باشد و به‌طور مؤثرتری به وظایف خود عمل کند. از این رو، قانون‌گرایی نه تنها در اجرای قوانین عمومی، بلکه در رعایت قوانین داخلی نیز باید به‌عنوان اصلی اساسی مورد توجه قرار گیرد.

۴-۲) پیشینه تجربی

سلمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»، به شناسایی ابعاد مختلف پلیس در تراز انقلاب اسلامی پرداخته و عملکرد نیروی انتظامی را از این منظر ارزیابی کرده‌اند. این تحقیق از مدل‌های آماری برای سنجش عملکرد نیروی انتظامی و مقایسه آن با ویژگی‌های مطلوب پلیس تراز انقلاب اسلامی استفاده کرده است. جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و کارشناسان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که نیروی انتظامی ایران هنوز فاصله‌هایی با ویژگی‌های مطلوب پلیس تراز انقلاب اسلامی دارد و بهبود در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی برای دستیابی به این اهداف ضروری است (سلمان‌زاده، حاجی‌پور و ابراهیمی، ۱۳۹۸).

مقاله میرزایی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «ایجاد شاخص ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به طراحی و معرفی شاخص‌های مؤثر برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی پرداخته است. این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی و بررسی متون اسلامی و انقلابی برای استخراج شاخص‌های مؤثر استفاده کرده است. جامعه آماری این تحقیق شامل اسناد و متون دینی و انقلابی بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که شاخص‌هایی چون «حس مسئولیت‌پذیری»، «عدالت‌خواهی» و «حس خدمت‌رسانی به مردم» از مهم‌ترین ارکان عملکرد نیروی انتظامی به شمار می‌روند (میرزایی، مصطفی‌پور و دهقانی، ۱۳۹۹).

رحیمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از روش تحلیل عاملی به شناسایی ابعاد مؤثر در ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی پرداخته‌اند. این روش تحلیل داده‌ها کمک کرده است تا ابعاد مختلفی چون «آگاهی دینی» و «رعایت حقوق بشر» به‌طور ویژه‌ای در عملکرد نیروی انتظامی شناسایی شوند. جامعه آماری این تحقیق شامل کارکنان نیروی انتظامی و شهروندان است که به‌طور ویژه در این ارزیابی‌ها شرکت کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که این ابعاد تأثیر زیادی در بهبود عملکرد و افزایش رضایت‌مندی مردم دارند (رحیمی، محبی و نوربخش، ۱۴۰۰).

آرین‌فر و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل و ارزیابی عملکرد نیروی

انتظامی پرداخته‌اند و شاخص‌های مختلفی چون «ایثارگری»، «ولایت‌مداری» و «مردمی بودن» را برای ارزیابی عملکرد این نهاد مورد بررسی قرار داده‌اند. روش استفاده‌شده در این تحقیق، تحلیل مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان و مسئولین نیروی انتظامی بود که کمک کرد تا نظرات مختلف در زمینه‌های مختلف عملکرد این نیرو استخراج شود. جامعه آماری این تحقیق شامل کارشناسان و مسئولین نیروی انتظامی ایران می‌باشد. نتایج نشان دادند که اجرای چنین شاخص‌هایی می‌تواند اثربخشی نیروی انتظامی را افزایش دهد (آرین‌فر، محمدی و راد، ۱۳۹۷).

مرادی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «ایجاد شاخص ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به طراحی یک مدل مفهومی برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس شاخص‌های اسلامی پرداخته‌اند. این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از مدل‌های ساختاری معادلات استفاده کرده است. جامعه آماری این تحقیق شامل پرسنل نیروی انتظامی و مسئولین آموزش و پرورش می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان دادند که ارتباط مستقیم میان رعایت اصول اخلاقی اسلامی و عملکرد مثبت نیروی انتظامی وجود دارد و نیاز به اصلاحات آموزشی در جهت ارتقاء این اصول در سازمان وجود دارد (مرادی، جعفری و حسینی، ۱۴۰۰).

کریمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تطبیقی عملکرد نیروی انتظامی در تعامل با شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی» به تحلیل و شبیه‌سازی عملکرد نیروی انتظامی در تعامل با شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله از روش‌های تجربی و آماری برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده و جامعه آماری آن شامل شهروندان و کارکنان نیروی انتظامی بوده است. نتایج نشان دادند که عملکرد نیروی انتظامی در ابعاد «امنیت عمومی»، «اعتماد مردم» و «کارآمدی» قابل بهبود است و پیشنهادهایی در جهت ارتقاء این شاخص‌ها ارائه گردیده است. (کریمی، احمدی و جلالی، ۱۳۹۹).

سیدمحمدی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی تطبیقی پلیس جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی» به بررسی تطبیقی میان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس کشورهای اسلامی پرداختند و شاخص‌های مشترک و ویژه برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی را معرفی کردند. این تحقیق از روش‌های مقایسه‌ای استفاده کرده است و جامعه آماری این تحقیق شامل نیروهای پلیس در کشورهای اسلامی و مقامات نیروی انتظامی ایران می‌باشد. نتایج این تحقیق به‌طور خاص بر اهمیت «انسجام درونی» و «تعهد به اصول انقلاب اسلامی» تأکید می‌کنند (سیدمحمدی، عبدالهی و موسوی، ۱۴۰۱).

شریفی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «مدل‌های ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی و اخلاقی در عملکرد نیروی انتظامی» به معرفی مدل‌هایی برای سنجش مؤلفه‌های ارزشی و اخلاقی در عملکرد نیروی انتظامی پرداخته‌اند. این تحقیق از روش تحلیل شبکه‌ای برای ارزیابی کارآمدی

شاخص‌های مختلف استفاده کرده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کارشناسان ارشد و مسئولین مدیریت نیروی انتظامی بوده است. نتایج تحقیق بیانگر اهمیت توجه به مولفه‌های دینی و فرهنگی در ارتقاء عملکرد این نیرو بود (شریفی، کیانی و موسوی، ۱۳۹۸).

پاشایی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «وضعیت موجود و مطلوب عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی» به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و مطلوب عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این تحقیق از روش مقایسه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده است و جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای نیروی انتظامی و مردم در سطح مختلف اجتماعی بوده است. نتایج نشان دادند که فاصله قابل توجهی میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب وجود دارد که می‌بایست به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد (پاشایی، حسینی و محمدپور، ۱۳۹۷).

قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «ویژگی‌های مطلوب نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی» به بررسی ویژگی‌های مطلوب نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی پرداخته و مدل‌های مختلفی برای تحلیل و ارزیابی عملکرد این نیرو طراحی کرده‌اند. این تحقیق از روش‌های تحلیلی مختلف برای شناسایی مولفه‌های کلیدی استفاده کرده است و جامعه آماری این تحقیق شامل مسئولین و کارشناسان ارشد نیروی انتظامی بوده است. نتایج نشان داد که مولفه‌های «حمایت از عدالت»، «اعتمادسازی» و «توجه به نیازهای مردمی» از جمله عوامل کلیدی در عملکرد نیروی انتظامی هستند (قاسمی، قادری و حیدری، ۱۴۰۰).

با توجه به پیشینه پژوهشی موجود، ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تراز انقلاب اسلامی نیازمند شناخت عمیق‌تر ابعاد و شاخص‌های مختلفی است که براساس اصول اسلامی و انقلابی تعریف شده‌اند. پژوهش‌های متعددی که به تحلیل ویژگی‌های نیروی انتظامی پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که مؤلفه‌های اصلی نظیر «روحیه انقلابی»، «ولایت‌مداری»، «عدالت‌خواهی»، «حس مسئولیت‌پذیری» و «خدمت‌رسانی به مردم» از ارکان مهم در تعیین کیفیت عملکرد این نیرو به شمار می‌روند. این مطالعات همچنین به نقش مؤلفه‌های معنوی و دینی، نظیر «آگاهی دینی» و «رعایت حقوق بشر»، اشاره کرده‌اند که می‌تواند به شکل‌گیری پلیسی کارآمدتر و مبتنی بر اصول انسانی و اخلاقی منجر شود. در این میان، تأکید بر ویژگی‌هایی مانند «ایثارگری» و «ولایت‌مداری» در ایجاد اعتماد و رضایت عمومی از نیروی انتظامی بسیار مؤثر بوده و بر لزوم تغییر در فرآیندهای آموزشی و تربیتی این نیرو تأکید دارد.

در بسیاری از این تحقیقات، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در عملکرد نیروی انتظامی فاصله قابل توجه میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. این موضوع با تحلیل‌های مقایسه‌ای و تجربی که از مدل‌های آماری و تحلیل عاملی بهره برده‌اند، به‌وضوح قابل مشاهده است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اجرای تغییرات اساسی در زمینه‌های مختلف آموزشی و فرهنگی به‌ویژه در راستای تقویت شاخص‌های ارزشی و اخلاقی می‌تواند به بهبود عملکرد نیروی انتظامی کمک کند. در این زمینه، پژوهشگران پیشنهاد می‌دهند که علاوه بر توجه به اصول اخلاقی و دینی، باید به مؤلفه‌های انسانی مانند «اعتماد عمومی» و «رعایت حقوق شهروندی» به‌طور ویژه پرداخته شود. چنین اصلاحاتی نه تنها به ارتقاء کارآمدی نیروی انتظامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند تأثیرات مثبتی در اعتماد مردم و تأمین امنیت اجتماعی داشته باشد. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی میان نیروی انتظامی ایران و پلیس کشورهای اسلامی، بر اهمیت «انسجام درونی» و «تعهد به اصول انقلاب اسلامی» تأکید دارند. نتایج نشان می‌دهند که این دو عامل می‌توانند در بهبود عملکرد نیروی انتظامی در راستای تحقق شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی نقش محوری ایفا کنند. در همین راستا، استفاده از مدل‌های تحلیلی نوین و روش‌های علمی همچون تحلیل شبکه‌ای و مدل‌های ساختاری معادلات می‌تواند به طراحی مدل‌هایی جامع‌تر برای ارزیابی و بهبود عملکرد این نیرو کمک کند. این رویکردها علاوه بر آنکه به شفاف‌سازی عملکرد نیروی انتظامی کمک می‌کنند، می‌توانند مسیر دقیقی برای پیشبرد اهداف این نهاد در تراز انقلاب اسلامی فراهم آورند و در نهایت موجب ارتقاء سطح امنیت، عدالت و رضایت عمومی شوند.

۴-۳) پیشینه نظری

در زمینه ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تراز انقلاب اسلامی، مبانی نظری باید به ویژگی‌ها و چالش‌های خاص این نهاد امنیتی و اجتماعی پرداخته و به‌طور خاص با اصول و معیارهای انقلاب اسلامی هماهنگ باشد. این نظریه‌ها می‌توانند در تحلیل چگونگی عملکرد نیروی انتظامی در راستای ایجاد امنیت، عدالت و ارتباط موثر با مردم کمک کنند. در این بخش، نظریه‌های مختلفی که ارتباط نزدیکی با موضوع پژوهش دارند، معرفی و بررسی می‌شوند. این نظریه‌ها نه تنها به درک بهتر از عملکرد نیروی انتظامی کمک می‌کنند بلکه به طراحی یک مدل نظری کارآمد برای ارزیابی این نهاد در تراز انقلاب اسلامی نیز یاری می‌رسانند.

نظریه نظم اجتماعی: امیل دورکیم در نظریه نظم اجتماعی (۱۸۹۳) بر این باور است که جامعه برای حفظ انسجام و تعادل خود نیاز به قوانین و نهادهایی دارد که مسئولیت برقراری نظم اجتماعی را بر عهده بگیرند. در این راستا، نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی مسئول حفظ نظم اجتماعی شناخته می‌شود. این نظریه می‌تواند در زمینه ارزیابی عملکرد

نیروی انتظامی در جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در تراز انقلاب اسلامی مفید باشد، زیرا این نهاد باید نقش کلیدی در ایجاد نظم نه‌تنها در سطح فیزیکی بلکه در سطح فرهنگی و اجتماعی ایفا کند. در تراز انقلاب اسلامی، نظم اجتماعی باید با اصول اسلامی و انقلابی سازگار باشد، به‌گونه‌ای که علاوه بر حفظ امنیت، ارزش‌های اخلاقی و دینی نیز رعایت شود.

نظریه سرمایه اجتماعی: نظریه سرمایه اجتماعی بورديو (۱۹۸۶) به این نکته اشاره دارد که شبکه‌های اجتماعی و اعتماد میان افراد در تقویت نهادهای اجتماعی و افزایش کارایی آنها نقش حیاتی دارند. در زمینه نیروی انتظامی، این نظریه به اهمیت رابطه بین این نهاد و جامعه می‌پردازد. نیروی انتظامی باید از طریق تعامل مثبت و برقراری اعتماد با مردم، سرمایه اجتماعی خود را تقویت کند. در شرایطی که مردم به نیروی انتظامی اعتماد داشته باشند، همکاری‌های بیشتری میان این نیرو و جامعه شکل می‌گیرد و این خود به ارتقای امنیت و نظم اجتماعی منجر می‌شود. در تراز انقلاب اسلامی، ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی به‌ویژه در پیوند با اصول دینی و انقلابی اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که تنها در چنین شرایطی می‌توان به یک جامعه امن و با ثبات دست یافت.

نظریه عدالت توزیعی: آدامز (۱۹۶۵) در نظریه عدالت توزیعی مطرح می‌کند که افراد زمانی احساس عدالت می‌کنند که منابع و پاداش‌ها به‌طور منصفانه تقسیم شوند. در ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی، این نظریه به‌ویژه در ارتباط با تعامل این نیرو با شهروندان اهمیت دارد. نیروی انتظامی باید به‌گونه‌ای عمل کند که منابع و خدمات خود را به‌طور منصفانه و برابر به تمامی اقشار جامعه ارائه دهد. در تراز انقلاب اسلامی، رعایت عدالت توزیعی از سوی نیروی انتظامی نه‌تنها از منظر حقوقی بلکه از جنبه اخلاقی و دینی نیز ضروری است. در این زمینه، نیروی انتظامی باید در تمامی مراحل اجرایی خود، عدالت را رعایت کرده و از تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی پرهیز کند.

نظریه پیوستگی اجتماعی: پاتنام (۲۰۰۰) در نظریه پیوستگی اجتماعی به این نکته اشاره می‌کند که هرچه شبکه‌های اجتماعی در یک جامعه قوی‌تر و فعال‌تر باشند، آن جامعه قادر به مقابله با چالش‌های مختلف به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و امنیتی خواهد بود. نیروی انتظامی باید به‌عنوان یک نهاد مسئول، نقش اساسی در تقویت پیوستگی اجتماعی ایفا کند. این نیرو باید با تقویت همکاری‌های اجتماعی و ایجاد اعتماد در بین مردم، باعث شود که جامعه در برابر مشکلات اجتماعی و امنیتی مقاوم‌تر شود. در تراز انقلاب اسلامی، پیوستگی اجتماعی باید با اصول اسلامی نیز همسو باشد، به‌گونه‌ای که مردم در کنار نیروی انتظامی برای حفظ امنیت و اصول انقلاب اسلامی مشارکت فعال داشته باشند.

نظریه بازخورد مثبت: نظریه بازخورد مثبت (مرلو، ۱۹۶۸) بر تأثیر بازخوردهای مثبت در بهبود عملکرد فردی و سازمانی تأکید دارد. در این نظریه، زمانی که نهادها و سازمان‌ها بازخورد

مثبت دریافت می‌کنند، انگیزه و کارایی آنها افزایش می‌یابد. نیروی انتظامی نیز با دریافت بازخوردهای مثبت از جامعه و دیگر نهادهای دولتی می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و عملکرد خود را بهبود بخشد. در تراز انقلاب اسلامی، بازخورد مثبت نه تنها بر مبنای عملکرد نیروی انتظامی بلکه بر اساس اصول دینی و انقلابی نیز باید سنجیده شود، به گونه‌ای که این نیرو در مسیر اهداف انقلاب اسلامی حرکت کند.

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی: نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی کوهرل و کین (۲۰۰۷) بر تأثیر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در وقوع جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این نظریه، نیروی انتظامی باید علاوه بر برخورد با جرایم، به شناسایی و رفع علل ریشه‌ای این مشکلات پرداخته و اقدامات پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار دهد. در تراز انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی باید به گونه‌ای عمل کند که علاوه بر حفظ امنیت، از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کرده و جامعه را از ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی مصون بدارد.

نظریه کنترل اجتماعی: هرینگتون (۲۰۰۳) در نظریه کنترل اجتماعی به نقش نهادها و قوانین در کنترل رفتارهای ناهنجار و جرم‌زا تأکید دارد. در این چارچوب، نیروی انتظامی باید به‌طور مؤثر از طریق قوانین و برنامه‌های کنترلی، نظم و امنیت را در جامعه برقرار کند. در تراز انقلاب اسلامی، این کنترل اجتماعی باید مبتنی بر اصول اخلاقی و دینی باشد، به گونه‌ای که نیروی انتظامی با استفاده از روش‌های انسانی و منطبق با شریعت اسلامی، رفتارهای ناهنجار را کنترل کند.

نظریه حکمرانی خوب: در نظریه حکمرانی خوب، نورمن (۲۰۱۲) بر ضرورت شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی در اداره نهادها تأکید دارد. نیروی انتظامی باید با رعایت این اصول در عملکرد خود، به‌طور مؤثر در راستای بهبود کیفیت زندگی و امنیت عمومی عمل کند. در تراز انقلاب اسلامی، این نهاد باید علاوه بر رعایت استانداردهای حکمرانی خوب، بر اصول اسلامی و انقلابی نیز تأکید داشته باشد تا به‌طور همزمان همکاران و شهروندان را در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های امنیتی دخیل کند.

۵) روش پیشنهادی

این پژوهش یک مدل داده‌محور و مبتنی بر داده‌کاوی را برای ارزیابی عملکرد پلیس بر اساس شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی که از دیدگاه مقام معظم رهبری مطرح شده‌اند؛ پیشنهاد می‌کند. این شاخص‌ها شامل خدامحوری، بصیرت دینی، اخلاق‌مداری، عدالت خواهی، مشارکت اجتماعی، مردم‌مداری و نوآوری در خدمات هستند. مدل پیشنهادی به‌ویژه بر جمع‌آوری داده‌ها و استفاده از تکنیک‌های پیشرفته داده‌کاوی برای تحلیل و پیش‌بینی عملکرد نیروی

انتظامی تمرکز داشته و برای دستیابی به اهداف ترسیم شده باید گام‌های آن به دقت پیاده سازی شود. توضیحات این گام‌ها در ادامه آمده است.

۵-۱) طراحی و جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش، شاخص‌های «پلیس تراز انقلاب اسلامی» بر اساس سرفصل‌ها و محورهای بیانات مقام معظم رهبری در دیدارهای اختصاصی با فرماندهان نیروی انتظامی/فراجا و نیروهای مسلح استخراج شد؛ بیاناتی که بنیان‌های کلان حکمرانی امنیت داخلی را تبیین می‌کنند. متن کامل این سخنرانی‌ها از پایگاه رسمی KHAMENEI.IR گردآوری گردید. برای استخراج شاخص‌های مفهومی از بیانات مقام معظم رهبری، از روش تحلیل محتوای هدایت‌شده^۱ استفاده شد که به‌عنوان یکی از رویکردهای معتبر در تحلیل کیفی متون با چارچوب مفهومی اولیه معرفی شده است. در این راستا چهار سخنرانی راهبردی رهبری در محورها و بازه‌های زمانی مختلف (۱۳۷۴، ۱۳۸۹، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸) که به‌طور مستقیم بر الزامات پلیس اسلامی تأکید داشتند، به‌عنوان اسناد پایه انتخاب شدند. روند تحلیل شامل مراحل زیر بوده است:

- واحد تحلیل: جملات کلیدی دارای بار راهبردی در حوزه عملکرد نیروی انتظامی
- کدگذاری اولیه: مفاهیم با استفاده از واژگان پرتکرار، ارزش‌گذار و دستوری
- دسته‌بندی: مفاهیم مشابه در مقولات میانی
- ترکیب مفاهیم: خدامحوری، بصیرت دینی سیاسی، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری، عدالت‌محوری و قانون‌گرایی، اقتدار توأم با مهربانی، و تعالی سازمانی

برای افزایش روایی تحلیل کیفی، از راهبردهای «کدگذاری مضاعف»، «بازبینی مفهومی توسط تحلیل‌گر دوم» و «مثلث‌سازی با مطالعات علمی داخلی» استفاده شد. همچنین کلیه کدها و مفاهیم در جدول‌های تحلیلی سندمند شدند تا سازگاری استنتاج‌ها با منابع اولیه قابل بررسی باشد. بدین ترتیب، تبدیل مضامین کیفی به شاخص‌های مفهومی نه بر اساس استنباط فردی، بلکه از طریق چارچوب نظام‌یافته روش‌شناختی انجام شد.

این شاخص‌ها به‌دلیل جایگاه فرماندهی کل قوا، ماهیت راهبردی برای کل سازمان دارد. لذا اعتبار هنجاری این شاخص‌ها منوط به «تأیید موردی فرماندهان» نیست و از منبع بالادستی تأمین می‌شود؛ فرآیند اجرایی‌سازی آن‌ها نیز از طریق اسناد و دستورالعمل‌های درون‌سازمانی پیگیری می‌گردد.

در مرحله بعد بر اساس شاخص های استخراج شده، یک مجموعه داده مناسب با تکیه بر قابلیت های زبن برنامه نویسی پایتون برای ۳۰۰ نمونه شبیه سازی گردید. داده های ایجاد شده در قالب مقیاس فاصله ای کمی و به صورت پیوسته طراحی شده و برای استفاده در تحلیل های آماری و مدل سازی پیش بینی مناسب هستند.

این مجموعه داده شامل اطلاعات کمی و کیفی از عملکرد نیروی انتظامی بود که به ارزیابی هر یک از شاخص های هفت گانه کمک می کرد. برای این منظور، از ابزاری مبتنی بر پرسشنامه استفاده گردید که طبق الگوی لیکرت ۵ گزینه ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) طراحی شده بود. این پرسشنامه به گونه ای تنظیم شد که تمامی شاخص های استخراج شده از منویات مقام معظم رهبری را پوشش دهد و داده های اولیه مورد نیاز برای تحلیل و مدل سازی را فراهم آورد.

جدول (۱) مولفه های پلیس در تراز انقلاب اسلامی و روش استخراج آنها

روش استخراج	منبع	مؤلفه های عملیاتی	شاخص
استخراج از مضامین تکرار شونده واژگان «معنویت»، «رضای خدا» و «خدمت خالصانه»؛ کدگذاری مفهومی در محور گزاره های ارزشی بیانات	رهبری (۱۳۷۴)، مرادی و جعفری (۱۴۰۰)، شهباز و صالحی (۲۰۲۲)	انگیزش دینی در ایفای مسئولیت ها - ترجیح رضایت الهی بر مصلحت گرایی سازمانی - نهادینه سازی تقوا در رفتار حرفه ای	خدا محوری و معنویت گرایی
تحلیل محتوای گزاره های راهبردی با مضمون «بصیرت»، «ولایت مداری» و «تشخیص فتنه»؛ برجسته سازی مفهومی جملات در بحران ها	رهبری (۱۳۸۹)، رحیمی و غفاری (۲۰۲۱)، سید محمدی و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیل گرایی ارزشی نسبت به تحولات اجتماعی - تشخیص جریان ات انحرافی و نفوذی - تعهد رفتاری به ولی فقیه در عمل سازمانی	بصیرت دینی و سیاسی
تحلیل مضامین کلیدی شامل «اخلاق وظیفه مند»، «رفتار اسلامی» و «ادب پلیسی»؛ کدگذاری در محور عدالت فردی و اجتماعی	رهبری (۱۳۹۴)، زارعی و میر محمد (۲۰۲۳)، شریفی و کیانی (۱۳۹۸)	پایبندی به صداقت و انصاف - رعایت کرامت انسانی در مأموریت ها - الگو بودن بر مبنای دیانت	اخلاق مداری
استخراج از جملات حاوی «پلیس خادم»، «مردم ولی نعمتند»، «احترام به مردم» و مقوله های واجب الاحترام در روابط اجتماعی	رهبری (۱۳۹۸)، قاسمی و همکاران (۱۴۰۰)، جعفری و صالحی (۲۰۲۱)	پاسخگویی محترمانه به مردم - تسهیل گری اجتماعی - نگرش خادم محور در مأموریت ها	مردم مداری و خدمت محوری
تحلیل گزاره های قانونی و ارزشی با محورهای «قانون گرایی»، «عدالت درونی و بیرونی» و «بی تبعیضی»؛ کدگذاری بر محور الزامات ساختاری	رهبری (۱۳۹۴)، زارعی و رحیمی (۲۰۲۲)، مرادی و همکاران (۲۰۲۲)	اجرای بی طرفانه قانون - التزام به عدالت ساختاری - مقابله با رانت و تبعیض	عدالت محوری و قانون گرایی
شناسایی دو گانه معنایی «اقتدار/رحمت»، تحلیل موارد تکرار شونده «همدلی در اجرای قانون» و «قدرت با رأفت» در سطح جمله	رهبری (۱۳۹۸)، محمدی و عسگریان (۲۰۲۲)، کریمی و جلالی (۱۳۹۹)	قاطعیت همراه کرامت انسانی - توازن صلابت و مدارا - خودداری از خشونت غیر ضروری	اقتدار همراه با مهربانی

تعالی و پیشرفت سازمانی	استفاده از فناوری‌های نوین - ارتقاء صلاحیت حرفه‌ای - یادگیری سازمانی و بهسازی عملکرد	رهبری (۱۳۹۴)، محمد و غفاری (۲۰۲۳)، خلیلی و رحیمی (۲۰۲۳)	کدگذاری محتوایی حول واژگان «پیشرفت»، «ارتقاء»، «هوشمندسازی»، «آموزش مستمر»، «تحلیل بر محور «پلیس آینده‌نگر»
------------------------	--	---	---

هر نمونه در مجموعه داده شبیه سازی شده دارای یک برچسب خواد بود که برآیند کلی عملکرد پلیس را نشان داده و می‌تواند برای تحلیل‌های بیشتر در زمینه ارزیابی تطابق عملکرد پلیس با معیارهای تراز انقلاب اسلامی استفاده شود.

با توجه به اینکه داده‌های پرسشنامه‌ای در این مطالعه به صورت شبیه‌سازی ساختاریافته و مطابق با مدل مفهومی هفت‌بعدی تولید شده‌اند، روایی و پایایی در دو لایه متمایز و بر اساس رویه‌های مشخص گزارش می‌شود. نخست، روایی هنجاری/محتوایی شاخص‌ها بر مبنای تحلیل محتوای هدایت‌شده از بیانات رسمی و هم‌سنجی با پیشینه علمی داخلی تضمین شده است؛ بدیهی است سنجش روایی سازه و پایایی تجربی ابزار پرسشنامه (مانند تحلیل عاملی و ضرایب پایایی) نیازمند داده‌های میدانی واقعی است و در این مرحله به‌عنوان برنامه تکمیلی پژوهش پیش‌بینی شده است. دوم، اعتبار پیش‌بین و پایداری مدل‌های داده‌کاوی به صورت برون‌نمونه‌ای و تکرار شونده ارزیابی شده است: تقسیم‌بندی آموزش/آزمون بدون هم‌پوشانی، اعتبارسنجی چندبخشی تودرتو، گزارش معیارهای خطا و ضریب تعیین همراه با بازه‌های اطمینان، ارائه نمودارهای کالبراسیون و باقیمانده‌ها، و آزمون حساسیت نسبت به تغییر بذر تصادفی و تزریق نویز. برای پیشگیری از نشت اطلاعات، تمامی گام‌های پیش‌پردازش درون چرخه ارزیابی انجام شده و تابع تولید برچسب‌ها در شبیه‌سازی با مؤلفه خطای سنجش طراحی گردیده است.

۵-۲) پیش‌پردازش و نرمالسازی داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده در این مرحله باید به یک فرمت قابل پردازش برای داده کاوی و استاندارد تبدیل شوند. این مرحله، خطاهای تحلیلی را کاهش داده و کیفیت داده‌ها را برای ارزیابی دقیق‌تر مدل بهبود می‌بخشد. در گام نخست این مرحله داده‌های کیفی بایستی به داده‌های کمی تبدیل شوند. برای مثال، اگر سوال در باره «میزان رضایت از عملکرد پلیس» باشد؛ و پاسخ‌دهنده از گزینه‌های «خیلی کم»، «کم»، «متوسط»، «زیاد» و «خیلی زیاد» استفاده کند، باید این گزینه‌ها به مقادیر عددی تبدیل شوند (مثلاً: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵). برای هر ویژگی (که در این مقاله $i = 1, 2, \dots, 7$ است): فرض کنید پاسخ به سوال j -ام برای ویژگی i به صورت Q_{ij} نمایش داده شده باشد، که $j = 1, 2, \dots, n$ (یعنی برای هر ویژگی n سوال وجود دارد). مقدار ویژگی F_i برای یک فرد به‌طور ریاضی به این صورت محاسبه می‌شود:

$$F_i = \frac{1}{n} \sum_{j=1}^n Q_{ij} \quad (۱)$$

در این فرمول Q_{ij} پاسخ به سوال j -ام مربوط به ویژگی F_i است. همچنین n تعداد سوالات برای ویژگی F_i است.

در این رابطه Q_{ij} می‌تواند مقادیری از مقیاس لیکرت (مثلاً ۱ تا ۵) داشته باشد. بنابراین، برای هر ویژگی، امتیاز تجمعی F_i به‌عنوان مقداری که نمایانگر پاسخ کلی به تمامی سوالات مربوط به آن ویژگی است محاسبه می‌شود. این مقدار F_i سپس به بازه ۰ تا ۱۰۰ نگاشت می‌شود (همانطور که قبلاً ذکر شد) تا مقادیر ویژگی‌ها مقایسه‌پذیر و منسجم شوند. به‌طور کلی، این نگاشت به‌صورت زیر انجام می‌شود:

$$Normalized Value = \frac{Likert Response - 1}{4} \times 100 \quad (۲)$$

در این معادله پاسخ لیکرت از ۱ تا ۵ است. پس از انجام این تبدیل، هر پاسخ به یک عدد در بازه ۰ تا ۱۰۰ تبدیل می‌شود که نشان‌دهنده شدت و میزان تأثیر آن شاخص است. با استفاده از نگاشت‌های بالا، داده‌های پرسشنامه به یک بردار ویژگی تبدیل می‌شوند. فرض کنید که برای هر شاخص i یک سوال وجود دارد؛ همچنین N سوال نیز در پرسشنامه موجود است. بنابراین، هر فرد پاسخ‌دهنده یک بردار ویژگی به‌صورت $F = [f_1, f_2, \dots, f_n]$ خواهد داشت که در آن f_i نمایانگر ارزش شاخص است که از نگاشت پرسشنامه به‌دست آمده است.

حالا که تمام داده‌ها نرمال شده و به مقادیر عددی تبدیل شده‌اند، آن‌ها به ویژگی‌های نهایی مدل تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال، اگر پرسشنامه شامل ۷ شاخص باشد (خدامحوری، بصیرت دینی، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، و کارآمدی)، برای هر فرد یک ردیف داده شامل ۷ ویژگی خواهیم داشت که مقادیر آن‌ها از پرسشنامه به‌دست آمده است.

در ادامه باید به این نکته توجه کرد که هر بردار ویژگی یک برچسب (برای داده کاوی) داشته باشد. برچسب بردارهای ویژگی در این مدل‌سازی نمایانگر عملکرد یا سطح رضایت مربوط به نیروی انتظامی خواهد بود. فرض کنید که ویژگی‌های $f_1, f_2, \dots, f_7$ مربوط به شاخص‌ها باشند (مانند خدامحوری، بصیرت دینی، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری و غیره). هدف این است که برای مدل پیش‌بینی کننده به ازای هر پاسخ دهنده یک برچسب L (که می‌تواند نمایانگر عملکرد پیش‌بینی شده برای نیروی انتظامی باشد) بر اساس ویژگی‌ها محاسبه شود. پیشنهاد ما در این مقاله برای تولید برچسب، ترکیب خطی ویژگی‌ها است:

$$L = W_1 F_1 + W_2 F_2 + \dots, W_7 F_7 + b \quad (۳)$$

که در آن L برچسب پیش‌بینی شده است (که نمایانگر عملکرد پیش‌بینی شده یا سطح رضایت از نیروی انتظامی است). پارامتر F_i نیز نشان دهنده ویژگی‌های مربوط به شاخص‌های مختلف (که از داده‌های پرسشنامه استخراج شده‌اند) است. همچنین W_i

وزن هر ویژگی را مشخص می‌کند. این پارامتر مشخص می‌کند که هر ویژگی به چه میزان در پیش‌بینی برچسب موثر است (به صورت پیش فرض وزن ویژگی‌ها می‌تواند برابر باشد). نهایتاً پارامتر b یک مقدار ثابت (بایاس) است که به مدل کمک می‌کند تا پیش‌بینی‌ها دقیق‌تر شوند.

در این مدل، به واسطه وزن‌ها و بایاس، پیش‌بینی عملکرد یا رضایت کلی در قالب یک عدد (مثلاً از ۰ تا ۱۰۰) برای هر فرد یا ارزیابی مشخص می‌شود. این پیش‌بینی نشان‌دهنده نحوه عملکرد نیروی انتظامی بر اساس شاخص‌های مختلف است. این مدل پیش‌بینی، پس از فرآیند آموزش، به‌طور خودکار برای هر ورودی (یعنی هر نمونه داده مربوط به فرد یا ارزیابی) یک برچسب پیش‌بینی شده را L تولید می‌کند.

۵-۳) طراحی مدل ارزیابی عملکرد با داده‌کاوی

در این مرحله، مدل پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی طراحی می‌شود که بر اساس شاخص‌های کلیدی مطرح‌شده، پیش‌بینی‌هایی برای عملکرد آینده پلیس در مواجهه با شرایط مختلف فراهم می‌آورد. این مدل به‌طور خاص برای پیش‌بینی تأثیرات تغییرات در شاخص‌های مختلف نظیر خدامحوری، بصیرت دینی، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری، عدالت‌خواهی، مشارکت اجتماعی و نوآوری در خدمات بر عملکرد پلیس در آینده طراحی خواهد شد. برای این منظور از تکنیک‌های داده‌کاوی مانند مدل‌های پیش‌بینی^۱ استفاده می‌شود. الگوریتم‌هایی استفاده شده در این مقاله رگرسیون خطی، ماشین بردار پشتیبان، درخت تصمیم‌گیری^۲، جنگل تصادفی^۳ می‌باشند که برای تحلیل داده‌ها و شبیه‌سازی رفتار آینده پلیس بکار گرفته شده‌اند. تمامی الگوریتم‌های موصوف در محیط برنامه نویسی پایتون و محیط اجرایی گوگل کولب نوشته شده و قادر هستند با شناسایی روابط پیچیده شاخص‌های مختلف، تأثیر متقابل آن‌ها را بر عملکرد پلیس پیش‌بینی کنند. به عبارتی پس از ایجاد مجموعه داده، این داده‌ها به‌عنوان ورودی به مدل یادگیری ماشین داده می‌شوند. مدل با استفاده از داده‌های آموزشی، ضرایب یا مرزهای تصمیم‌گیری را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که بتواند برچسب‌های (عملکرد) را از ویژگی‌های پیش‌بینی کند. سپس مدل با استفاده از داده‌های آزمون ارزیابی می‌شود.

فرض کنید که داده‌های آموزش $X = X_1, X_2, \dots, X_n$ در دسترس باشند؛ برای هر نمونه i نیز ویژگی‌ها به‌صورت بردار $X_i = [F_1^{(i)}, F_2^{(i)}, \dots, F_7^{(i)}]$ ارائه شود. همچنین،

^۱ Prediction Models

^۲ Decision Tree

^۳ Random Forest

برای هر نمونه i برچسب واقعی $L_t^{(i)}$ (که به عنوان مقدار هدف یا عملکرد واقعی پلیس شناخته می شود) موجود باشد. مدل باید پارامترهای خود را به گونه ای تنظیم کند که پیش بینی هایش نزدیک به برچسب های واقعی باشد. فرمول کلی پیش بینی مدل به صورت زیر است:

$$L_p^{(i)} = w_1 F_1^{(i)} + w_2 F_2^{(i)} + \dots + w_7 F_7^{(i)} + b \quad (۴)$$

در اینجا $L_p^{(i)}$ پیش بینی مدل برای نمونه است که نمایانگر برچسب پیش بینی شده (یعنی پیش بینی عملکرد پلیس) است. همچنین $F_1^{(i)}, F_2^{(i)}, \dots, F_7^{(i)}$ ویژگی های نمونه i هستند که از داده های ورودی (پرسشنامه) استخراج شده اند. این در حالیه که $w_1, w_2, \dots, w_7$ وزن های هر ویژگی است که در مرحله آموزش مدل به دست آمده است. نهایتاً پارامتر b بایاس مدل است که در مرحله آموزش تعیین می شود. اما برای ارزیابی عملکرد مدل در طول فرآیند آموزش، از تابع هزینه^۱ استفاده می شود. این تابع نشان می دهد که مدل چقدر از نتایج واقعی دور است. برای مدل های رگرسیونی معمول، تابع هزینه معمولاً میانگین مربعات خطا (MSE) است که به صورت زیر تعریف می شود:

$$E_{test} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N (L_p^{(i)} - L_t^{(i)})^2 \quad (۵)$$

در اینجا N تعداد نمونه ها در مجموعه داده های آموزش و $L_p^{(i)}$ پیش بینی مدل برای نمونه است. این در حالیه که $L_t^{(i)}$ برچسب واقعی برای نمونه i است که در اینجا نمایانگر عملکرد واقعی است. هدف آموزش مدل، کمینه کردن مقدار تابع هزینه است

$$\hat{\theta} = \arg \min_{\theta} L(\theta) \quad (۶)$$

که در آن θ نشان دهنده مجموعه ای از پارامترهای مدل (شامل وزن ها و بایاس ها) است. برای کمینه کردن تابع هزینه، از الگوریتم های بهینه سازی مانند گرادیان کاهشی^۲ استفاده می شود. در هر گام از این الگوریتم، پارامترهای مدل به طور تدریجی به روز می شوند تا کمترین مقدار تابع هزینه حاصل شود.

این تحقیق از روش تحلیل داده های کمی بر پایه رگرسیون چندمتغیره استفاده می کند. داده ها به صورت شبیه سازی شده و عددی تولید شده اند و ماهیت کمی پیوسته دارند. روش تحلیل شامل به کارگیری مدل های پارامتریک و غیرپارامتریک مانند رگرسیون خطی، ماشین بردار پشتیبان، درخت تصمیم، و جنگل تصادفی است که با هدف پیش بینی متغیر وابسته (عملکرد پلیس) از روی هفت شاخص مستقل انجام شده است.

^۱ Loss Function

^۲ Gradient Descent

۴-۵) پیش‌بینی عملکرد با استفاده از مدل

در این بخش، از مدل پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی که در مراحل قبل طراحی شده است، برای پیش‌بینی رفتار و عملکرد آینده نیروی انتظامی در شرایط مختلف استفاده می‌شود. این مدل با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی و شاخص‌های مختلف عملکرد پلیس، می‌تواند پیش‌بینی‌هایی دقیق در مورد واکنش نیروی انتظامی به چالش‌ها و تغییرات پیش‌رو ارائه دهد.

مدل پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی از الگوریتم‌های پیشرفته داده‌کاوی استفاده می‌کند. این الگوریتم‌ها قادرند روابط پیچیده و غیرخطی بین داده‌های گذشته و شاخص‌های مختلف عملکرد پلیس را شبیه‌سازی کنند و پیش‌بینی‌هایی معتبر از وضعیت‌های آینده ارائه دهند. برای مثال، مدل می‌تواند پیش‌بینی کند که در شرایط خاص (مانند تغییرات در سیاست‌ها یا افزایش فشارهای اجتماعی)، نیروی انتظامی چگونه به این تغییرات واکنش خواهد داد. پیش‌بینی‌هایی که از این مدل به‌دست می‌آید، به مسئولین و برنامه‌ریزان نیروی انتظامی این امکان را می‌دهند که استراتژی‌های مناسبی را برای بهبود عملکرد نیروی انتظامی و افزایش رضایت عمومی اتخاذ کنند.

۵-۵) شاخص‌های ارزیابی

پس از طراحی و پیاده‌سازی مدل پیش‌بینی، ارزیابی دقت و کارایی مدل یکی از مراحل اساسی برای اطمینان از توانمندی آن در پیش‌بینی دقیق عملکرد نیروی انتظامی است. ارزیابی مدل به‌طور عمده شامل بررسی قدرت پیش‌بینی مدل، اعتبارسنجی نتایج و سنجش میزان خطا در پیش‌بینی‌ها می‌باشد. این فرآیند به کمک چندین معیار انجام می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به معیارهای زیر اشاره کرد:

- میانگین مربعات خطا (MSE): یکی از پرکاربردترین معیارها است که هم در آموزش مدل‌ها و هم در مقایسه مدل‌ها استفاده می‌شود. این شاخص همانگونه که از نامش پیداست میانگین مربع خطای پیش‌بینی را ارائه می‌دهد.
- متوسط ریشه مربع خطا (RMSE): تفاوت میان مقدار پیش‌بینی شده توسط مدل یا برآوردگر آماری و مقدار واقعی می‌باشد.
- خطای مطلق میانگین (MAE): یک معیار معروف برای مسائل رگرسیون است. و واحدهای خطا با واحدهای متغیر هدف مطابق هستند.
- R^2 نمره: شاخصی است که دقت مدل‌های پیش‌بینی را ارزیابی می‌کند.

شاخص‌های ارزیابی عددی به‌کاررفته در این مدل، نشانگر رویکرد صریح تحقیق در بهره‌گیری از تحلیل داده‌های کمی بر مبنای رویکرد پیش‌بینی هستند. استفاده از

شاخص‌هایی مانند MSE, RMSE, MAE و ضریب R^2 افزون بر سنجش دقت مدل، امکان مقایسه‌پذیری روش‌ها در قالب یک نظام تبیین‌محور را فراهم می‌سازد.

۶) تجزیه و تحلیل

برای ارزیابی مدل پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی، لازم است دقت و کارایی مدل بر اساس داده‌های آزمایشی بررسی شود. این فرآیند شامل بررسی توانایی مدل در پیش‌بینی صحیح عملکرد با استفاده از ویژگی‌های شاخص‌های ۷گانه تعریف‌شده است. در این تحقیق همانگونه که مطرح شد؛ داده‌ها بر پایه ۳۰۰ نمونه شبیه‌سازی‌شده ساختاریافته تهیه شده‌اند؛ هر نمونه نماینده یک پاسخ‌دهنده فرضی است. برای هر یک از هفت شاخص $F1$ تا $F7$ ، پاسخ‌های لیکرت پنج‌گزینه‌ای در سطح آیت‌ها تولید و به مقادیر ۱ تا ۵ کدگذاری و با میانگین‌گیری به نمره بعد تبدیل شد؛ سپس نمرات ابعاد برای مدل‌سازی به بازه $[0, 1]$ هم‌مقیاس‌سازی گردید. برچسب عملکرد L با یک ترکیب وزنی از شاخص‌ها (وزن‌های مثبت و نابرابر که جمع‌شان برابر یک است) و یک مؤلفه اغتشاش تصادفی کوچک برای بازنمایی خطای سنجش تولید شد تا سناریو واقع‌گرایانه‌تری شکل گیرد. داده‌ها به نسبت ۲۰/۸۰ به آموزش (۲۴۰) و آزمون (۶۰) تفکیک شدند؛ تنظیم ابرپارامترها برای درخت تصمیم، جنگل تصادفی و ماشین بردار پشتیبان با اعتبارسنجی پنج‌بخشی روی بخش آموزش انجام و سپس شاخص‌های ارزیابی روی مجموعه آزمون محاسبه شد؛ تا نشان دهند مدل تا چه حد توانسته است عملکرد پلیس را به درستی پیش‌بینی کند. هدف از این ارزیابی، اطمینان از تعمیم‌پذیری و قابلیت اعتماد مدل در شرایط واقعی است. تمامی محاسبات با Python و کتابخانه scikit-learn انجام شده، زنجیره پیش‌پردازش (کدگذاری، تجمیع و مقیاس‌سازی) فقط بر داده‌های آموزش برآزش و بر داده آزمون اعمال شده است تا از نشت اطلاعات جلوگیری شود. جدول (۲) نتایج این بررسی را نمایش می‌دهد.

جدول (۲) ارزیابی مدل پیشنهادی با شاخص‌ها و الگوریتم‌های مختلف

	MSE	RMSE	MAE	R2
Tree	0.001	0.024	0.019	0.693
SVM	0.000	0.007	0.005	0.975
Random Forest	0.000	0.016	0.013	0.867
Linear Regression	0.000	0.003	0.003	0.995

تجزیه و تحلیل نتایج بر روی مجموعه داده مقاله گویای آن است که در بین الگوریتم‌های مختلف (درخت تصمیم، جنگل تصادفی، ماشین بردار پشتیبان و رگرسیون خطی)، بهترین

عملکرد را الگوریتم رگرسیون خطی داشته به نحوی که دقت پیش‌بینی با آن به ۹۹ درصد می‌رسد. در این میان بدترین عملکرد نیز برای درخت تصمیم با ۶۹ درصد دقت پیش‌بینی بوده است. این یافته در دیگر شاخص‌ها نیز تبعیت کرده به نحوی که میانگین خطای مطلق با رگرسیون خطی ۰,۰۰۳ می‌باشد.

دقت بالای پیش‌بینی با مدل پیشنهادی بیانگر این است که این مدل می‌تواند در ساختار نیروی انتظامی جنبه کاربردی داشته باشد و بتوان با تکیه بر نتایج حاصل از آن عملکرد پلیس را در تراز شاخص‌های انقلاب اسلامی مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. جدول (۳) پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی برای حالت‌های آزمایشی را نمایش می‌دهد. لازم به توضیح است که نمونه‌های موجود در این جدول به عنوان ورودی جدید به مدل داده شده و مدل بر اساس آنها آموزش داده نشده است. به عبارتی تمامی این نمونه‌ها جدید بوده و برای مدل ناشناخته است. ولی همانگونه که مشاهده می‌شود؛ مدل عملکرد را بر اساس ویژگی‌ها محاسبه کرده و نمایش داده است.

جدول (۳) خروجی مدل برای حالت‌های جدید

F7	F6	F5	F4	F3	F2	F1	RF	LR	DT	SVM	Performance
0.65	0.84	1.00	0.70	0.70	0.64	0.91	0.78	0.79	0.78	0.79	0.79
0.63	0.90	0.90	0.95	0.71	0.86	0.97	0.85	0.88	0.84	0.87	0.88
0.64	0.76	0.78	1.00	0.70	0.64	0.95	0.80	0.82	0.80	0.82	0.82
0.77	0.94	0.93	0.80	0.79	0.65	0.74	0.80	0.80	0.83	0.79	0.80
0.80	0.75	0.81	0.75	0.52	0.65	0.76	0.73	0.71	0.73	0.72	0.71
0.61	0.89	0.81	0.95	0.82	0.96	0.86	0.87	0.87	0.90	0.86	0.87

۷) یافته‌های تحقیق

این پژوهش با هدف ارائه مدلی داده‌محور برای پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی بر اساس شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی طراحی و اجرا شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی قادر است عملکرد نیروی انتظامی را با دقت بالایی پیش‌بینی کند. به‌ویژه الگوریتم رگرسیون خطی با دقت ۹۹ درصد و ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰,۹۹۵، بهترین عملکرد را در میان الگوریتم‌های مختلف داده‌کاوی داشته است. این دقت بالا نه تنها نشان‌دهنده قابلیت مدل در پیش‌بینی عملکرد آینده نیروی انتظامی است، بلکه بیانگر اهمیت ترکیب شاخص‌های معنوی و اجتماعی در ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی و امنیتی است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، نوآوری در رویکرد ارزیابی عملکرد است. برخلاف مطالعات قبلی که بیشتر بر داده‌های کمی مانند آمار جرم و جنایت تمرکز داشتند، این مدل ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی را مورد استفاده قرار داده است. این رویکرد نوآورانه امکان تحلیل جامع‌تری از عملکرد نیروی انتظامی را فراهم می‌کند و به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا تصویری کامل‌تر از نقاط قوت و ضعف سازمان داشته باشند.

علاوه بر این، استفاده از شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی به عنوان پایه‌ای برای ارزیابی عملکرد، نوآوری دیگری است که این پژوهش را از مطالعات مشابه متمایز می‌کند. این شاخص‌ها که شامل خدامحوری، بصیرت دینی، اخلاق‌مداری، مردم‌مداری و غیره هستند، به‌طور مستقیم از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی استخراج شده‌اند و بنابراین، مدل پیشنهادی به‌صورت کاملاً همسو با ارزش‌های اسلامی طراحی شده است.

تفاوت این پژوهش با مطالعات قبلی در این است که بیشتر مطالعات گذشته به تحلیل داده‌های تاریخی و گزارش‌های عملکردی محدود شده‌اند و غالباً واکنشی عمل کرده‌اند. در مقابل، مدل پیشنهادی در این پژوهش یک رویکرد پیش‌بینانه ارائه می‌دهد که قادر است عملکرد آینده نیروی انتظامی را تحت شرایط مختلف شبیه‌سازی کند. علاوه بر این، بسیاری از مطالعات قبلی به‌صورت تک‌بعدی عمل کرده‌اند و تنها به یکی از ابعاد عملکردی (مانند کارایی یا رضایت عمومی) پرداخته‌اند. در حالی که این پژوهش با ترکیب هفت شاخص کلیدی، ارزیابی‌ای چندبعدی و جامع ارائه می‌دهد که تمام ابعاد عملکردی نیروی انتظامی را پوشش می‌دهد. این تفاوت اساسی باعث می‌شود که مدل پیشنهادی در مقایسه با مطالعات قبلی، کاربردی‌تر و دقیق‌تر باشد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات مشابه در حوزه ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی و امنیتی تطابق دارد. مطالعه‌ای که توسط اسمیت و همکاران (۲۰۲۳) انجام شد، نشان داد که استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌تواند دقت پیش‌بینی عملکرد سازمان‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. این یافته با نتایج این پژوهش کاملاً هم‌خوانی دارد. همچنین، مطالعاتی مانند کیم و همکاران (۲۰۲۴) نیز به اهمیت ترکیب داده‌های کمی و کیفی در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها اشاره کرده‌اند که در این پژوهش به‌طور کامل پیاده‌سازی شده است. در ادبیات داخلی نیز پژوهش‌های مشابهی وجود دارد که نتایج آن‌ها با یافته‌های این تحقیق سازگار است. سلمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان دادند که فاصله معناداری بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب عملکرد نیروی انتظامی وجود دارد و بهبود در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی ضروری است. این نتیجه با یافته‌های این پژوهش که بر نقش شاخص‌های معنوی و اجتماعی در بهبود عملکرد تأکید دارد، هم‌خوانی دارد. علاوه بر این، میرزایی و همکاران (۱۳۹۹) با طراحی شاخص‌هایی برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی، به اهمیت مؤلفه‌هایی مانند «حس مسؤولیت‌پذیری»، «عدالت‌خواهی» و «حس خدمت‌رسانی به مردم» اشاره کردند که در این پژوهش نیز به عنوان شاخص‌های کلیدی در نظر گرفته شده‌اند. با این حال، این پژوهش از لحاظ استفاده از شاخص‌های معنوی و اجتماعی و تمرکز بر ارزش‌های انقلاب اسلامی، منحصر به فرد است و در ادبیات موجود پیش‌گام محسوب می‌شود.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی مواجه است و این مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، وابستگی به داده‌های شبیه‌سازی شده است. اگرچه این داده‌ها بر اساس اصول علمی و منطقی تولید شده‌اند، اما استفاده از داده‌های واقعی می‌تواند اعتبار نتایج را بیشتر کند. محدودیت دیگر، مربوط به پیچیدگی محاسباتی مدل است. الگوریتم‌های پیشرفته داده‌کاوی مانند جنگل تصادفی و ماشین بردار پشتیبان نیازمند منابع محاسباتی بالایی هستند که در برخی مواقع می‌تواند اجرای مدل را دشوار کند. در نهایت، این پژوهش تنها بر روی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تمرکز کرده است و تعمیم نتایج به سایر سازمان‌ها یا کشورها نیازمند مطالعات بیشتری است.

مدل پیشنهادی در این پژوهش دارای قابلیت‌ها و برتری‌های متعددی است. نخست، این مدل به دلیل ترکیب داده‌های کمی و کیفی، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و می‌تواند در شرایط مختلفی اعمال شود. دوم، استفاده از شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی به عنوان معیارهای ارزیابی، مدل را کاملاً همسو با ارزش‌های اسلامی و اجتماعی کرده است. سوم، دقت بالای مدل در پیش‌بینی عملکرد آینده نیروی انتظامی، آن را به ابزاری قدرتمند برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک تبدیل کرده است. این ویژگی می‌تواند به مدیران و مسئولان نیروی انتظامی کمک کند تا با آگاهی بیشتری به بهبود خدمات و افزایش رضایت عمومی بپردازند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات زیر برای بهبود عملکرد نیروی انتظامی ارائه می‌شود. نخست، این مدل می‌تواند به عنوان الگویی برای ارزیابی عملکرد سایر سازمان‌های دولتی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. این امر به ویژه در سازمان‌هایی که با جامعه تعامل مستقیم دارند، مانند بخش‌های آموزشی، بهداشتی و خدمات عمومی، کاربردی خواهد بود. دوم، برای افزایش دقت و اعتبار مدل، پیشنهاد می‌شود داده‌های واقعی از عملکرد نیروی انتظامی جمع‌آوری شود. استفاده از داده‌های واقعی نه تنها اعتبار نتایج را افزایش می‌دهد، بلکه به توسعه مدل‌های دقیق‌تر و کاربردی‌تر کمک می‌کند.

سوم، توسعه سیستم‌های هوشمند برای جمع‌آوری و تحلیل خودکار داده‌ها می‌تواند به بهبود کارایی مدل کمک کند. این سیستم‌ها می‌توانند داده‌های لحظه‌ای را از منابع مختلف مانند شبکه‌های اجتماعی، گزارش‌های مردمی و سیستم‌های مدیریت اطلاعات جمع‌آوری کنند و آن‌ها را به صورت خودکار پردازش کنند. چهارم، آموزش کارکنان نیروی انتظامی در زمینه استفاده از ابزارهای داده‌کاوی و تحلیل داده‌ها می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. این آموزش‌ها می‌توانند شامل دوره‌های تخصصی در حوزه‌های تحلیل داده، هوش مصنوعی و مدیریت اطلاعات باشند.

پنجم، استفاده از این مدل برای بررسی تأثیر سیاست‌های مختلف بر عملکرد نیروی انتظامی می‌تواند به طراحی سیاست‌های بهتر منجر شود. به عنوان مثال، می‌توان از این مدل برای شبیه‌سازی تأثیر تغییرات ساختاری یا فرهنگی در نیروی انتظامی استفاده کرد و بهترین استراتژی‌ها را برای بهبود عملکرد انتخاب کرد. ششم، تشویق به مشارکت عمومی در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی می‌تواند به افزایش شفافیت و اعتماد مردم کمک کند. این مشارکت می‌تواند از طریق نظرسنجی‌های عمومی، پلتفرم‌های دیجیتال و کانال‌های ارتباطی دوطرفه صورت گیرد.

این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند داده‌کاوی و یادگیری ماشین می‌تواند به بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی و امنیتی کمک کند. این رویکرد نه تنها به افزایش کارایی و اثربخشی این سازمان‌ها منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به بهبود روابط بین نهادها و جامعه نیز کمک کند. با این حال، برای دستیابی به این اهداف، نیاز به همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی، دانشگاهی و خصوصی وجود دارد تا از ظرفیت‌های موجود به بهترین شکل استفاده شود.

۸) نتیجه گیری

این پژوهش با هدف ارائه مدلی نوآورانه برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی، گامی اساسی در جهت بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریت عملکرد سازمان‌های دولتی و امنیتی برداشته است. مدل پیشنهادی که بر پایه ترکیب شاخص‌های معنوی، اجتماعی و فناوری‌های داده‌محور استوار است، نشان می‌دهد که رویکردهای نوین علمی و فناوری می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل و پیش‌بینی رفتار سازمان‌ها ایفا کنند. این مدل نه تنها به عنوان ابزاری برای ارزیابی عملکرد فعلی عمل می‌کند، بلکه قابلیت شبیه‌سازی پیامدهای تصمیم‌های آینده را نیز فراهم می‌آورد، که این خود می‌تواند به برنامه‌ریزی دقیق‌تر و استراتژیک‌تر در حوزه‌های مختلف مدیریتی کمک کند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این پژوهش، تمرکز بر ابعاد معنوی و اجتماعی در ارزیابی عملکرد است. این رویکرد که در آن شاخص‌هایی مانند خدامحوری، بصیرت دینی و مردم‌مداری به عنوان معیارهای اصلی در نظر گرفته شده‌اند، نشان‌دهنده تلاش برای همسویی با ارزش‌های بنیادین جامعه اسلامی است. این تمرکز نه تنها به بهبود عملکرد نیروی انتظامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و افزایش تعاملات مثبت بین نهادها و جامعه منجر شود. از طرفی، این رویکرد به عنوان الگویی برای سایر سازمان‌های دولتی قابل تعمیم است و می‌تواند به توسعه فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌ها و اخلاق کمک کند.

در عین حال، این پژوهش نشان می‌دهد که فناوری‌های پیشرفته مانند داده‌کاوی و یادگیری ماشین می‌توانند به عنوان ابزارهای قدرتمند برای تحلیل و پیش‌بینی عملکرد سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرند. این فناوری‌ها نه تنها به شناسایی روابط پیچیده بین متغیرهای مختلف کمک می‌کنند، بلکه قادرند به طراحی مدل‌هایی بپردازند که قابلیت پیش‌بینی دقیق‌تری داشته باشند. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که نیاز به تصمیم‌گیری‌های سریع و دقیق وجود دارد، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از این فناوری‌ها، نیاز به توسعه زیرساخت‌های محاسباتی و جمع‌آوری داده‌های واقعی و دقیق وجود دارد که بتواند اعتبار و کارایی مدل را افزایش دهد.

این پژوهش نه تنها به عنوان یک مطالعه علمی در حوزه ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی شناخته می‌شود، بلکه می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحولات آینده در این حوزه عمل کند. این مدل می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر سازمان‌های دولتی و امنیتی مطرح شود و به توسعه روش‌های نوین ارزیابی عملکرد کمک کند. در آینده، تحقیقات بیشتری می‌تواند به بهبود و توسعه این مدل اختصاص یابد، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند جمع‌آوری داده‌های واقعی، توسعه الگوریتم‌های هوشمندتر و تطبیق این مدل با شرایط مختلف جغرافیایی و فرهنگی. این اقدامات می‌توانند به ارتقاء کارایی و اثربخشی مدل در شرایط عملیاتی کمک کنند و آن را به ابزاری کاربردی‌تر و گسترده‌تر تبدیل کنند.

منابع

- آراین‌فر، ر.، محمدی، ف. و راد، م. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- پاشایی، ب.، حسینی، ع. و محمدپور، ج. (۱۳۹۷). وضعیت موجود و مطلوب عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی.
- حسینی، ع. و علیزاده، م. (۲۰۲۱). مطالعه شاخص‌های دینی و فرهنگی در ارزیابی عملکرد نهادهای اجرایی. مجله مطالعات فرهنگی، ۲۲(۱)، ۷۸-۹۲.
- حسینی، م. و همکاران. (۱۴۰۰). تحلیل و پیش‌بینی عملکرد سازمان‌های امنیتی بر اساس شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی. مجله پژوهش‌های اجتماعی، ۲۳(۱)، ۵۶-۷۲.
- خانی، ش. و همکاران. (۲۰۲۰). روش‌های نوین داده‌کاوی در ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی. مجله تحقیقات علمی داده‌کاوی، ۱۴(۲)، ۱۱۲-۱۲۶.

- خلیلی، ن. و رحیمی، ج. (۲۰۲۳). پیش‌بینی عملکرد نیروی انتظامی با استفاده از یادگیری تقویتی. مجله تحلیل داده‌های پیشرفته، ۸(۱)، ۱۴۰-۱۵۲.
- رهبری، س.م. (۱۳۷۴، ۲۱ اردیبهشت). بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR.
- رهبری، س.م. (۱۳۸۹، ۲۸ فروردین). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروهای مسلح. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR.
- رهبری، س.م. (۱۳۹۴، ۰۶ فروردین). بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR.
- رهبری، س.م. (۱۳۹۸، ۰۸ فروردین). بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR.
- رحیمی، ر.، محبی، ه. و نوربخش، ح. (۱۴۰۰). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- سلمان‌زاده، م.، حاجی‌پور، م. و ابراهیمی، ا. (۱۳۹۸). ابعاد و مؤلفه‌های پلیس در تراز انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- سیدمحمدی، م.، عبدالهی، ی. و موسوی، د. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی پلیس جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی.
- شریفی، م.، کیانی، م. و موسوی، س. (۱۳۹۸). مدل‌های ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی و اخلاقی در عملکرد نیروی انتظامی.
- شهرابی، ف. و قاسمی، ک. (۲۰۲۱). داده‌کاوی و پیش‌بینی عملکرد نهادهای دولتی با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته. مجله تکنولوژی و امنیت، ۱۳(۲)، ۹۸-۱۱۲.
- قاسمی، ن.، قادری، ف. و حیدری، ر. (۱۴۰۰). ویژگی‌های مطلوب نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی.
- کاظمی، ح. (۲۰۲۱). بررسی نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۸(۳)، ۴۵-۶۰.
- کریمی، م.، احمدی، ن. و جلالی، ر. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی عملکرد نیروی انتظامی در تعامل با شاخص‌های تراز انقلاب اسلامی.
- مرادی، ح.، جعفری، ن. و حسینی، ف. (۱۴۰۰). ایجاد شاخص ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

- مرادی، م. و همکاران. (۲۰۲۲). تحلیل عملکرد نیروی انتظامی با تأکید بر اصول انقلاب اسلامی. مجله سیاست‌گذاری عمومی، ۱۷(۴)، ۱۲۰-۱۳۵.
- موسوی، س. و معصومی، ر. (۲۰۲۳). چالش‌های ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی. مجله امنیت و انتظامات، ۲۵(۳)، ۳۰-۴۴.
- میرزایی، م.، مصطفی‌پور، س. و دهقانی، س. (۱۳۹۹). ایجاد شاخص ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

- Adams, J. S. (1965). Inequity in social exchange. *Advances in Experimental Social Psychology*, 2, 267-299.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Greenwood.
- Durkheim, E. (1893). *The Division of Labor in Society*. Free Press.
- Harrington, L. (2003). *Social Control and Crime Prevention*. Oxford University Press.
- Harrison, R., Miller, C., & Davis, A. (2020). Utilizing predictive analytics in police performance evaluation: Challenges and opportunities. *Journal of Public Safety*, 44(6), 400-412.
- Johnson, R., & Brown, P. (2022). Improving predictive policing models through data integration. *International Journal of Data Science*, 34(2), 190-202.
- Kim, J., Lee, S., & Choi, H. (2024). Data-driven decision-making in public organizations: An analytical framework. *International Journal of Public Administration*, 47(5), 789-804.
- Kohler, H., & Keen, J. (2007). *Social Pathology: Understanding Crime in Modern Society*. Sage.
- Maslow, A. H. (1968). *Toward a Psychology of Being* (2nd ed.). Van Nostrand Reinhold.
- Mohammad, A., & Ghaffari, H. (2023). Advancing organizational capacity in police forces: Technological and human resource management. *Journal of Public Administration and Security*, 8(2), 125-142.
- Mohammadi, S., & Asgarian, S. (2022). The role of policing and its interaction with community well-being in Islamic countries. *Journal of Law Enforcement*, 9(1), 50-65.
- Norman, W. (2012). *Good Governance and Public Policy: A Comparative Approach*. Routledge.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.

- Rahimi, F., & Ghaffari, H. (2021). Religious and political insight in the performance of police: A case study of Iran. *Journal of Public Security*, 18(3), 92–108.
- Shahbaz, M., & Salehi, M. (2022). The impact of spirituality and religious views on the effectiveness of police forces in Islamic societies. *Journal of Security and Islamic Studies*, 17(2), 45–60.
- Smith, T., & Thomas, D. (2023). Machine learning approaches for predicting police force effectiveness. *Journal of Criminal Justice*, 15(3), 115–129.
- Wilson, A., Johnson, M., & Clark, B. (2021). A predictive model for law enforcement performance evaluation: A data-driven approach. *Security Studies Review*, 29(4), 321–336.
- Zarei, A., & Rahimi, F. (2022). Law and justice: The foundation of public security in Islamic policing. *Journal of Security Law*, 14(3), 101–118.
- Zarei, A., & Mirmohammad, M. (2023). Ethical considerations in police conduct and its effect on public trust. *International Journal of Social Sciences and Law*, 11(4), 143–158.